

## سِفْرُ الْعَرْشِ الْمَخْتومِ

## کتاب و برّه

<sup>1</sup> و دیدم بر دست راست تختنشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، و مختوم به هفت مهر. <sup>2</sup> و فرشته‌ای قوی را دیدم که به آواز بلند ندا می‌کند: که کیست مستحقّ اینکه کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟ <sup>3</sup> و هیچ‌کس در آسمان و در زمین و در زیر زمین نتوانست آن کتاب را باز کند یا بر آن نظر کند. <sup>4</sup> و من به شدّت می‌گریستم زیرا هیچ‌کس که شایسته گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد. <sup>5</sup> و یکی از آن پیران به من می‌گوید: گریان مباح! اینک، آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داود است، غالب آمده است تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید.

## الخروف المذبوح

<sup>6</sup> و رأيتُ قِادًا فِي وَسْطِ الْعَرْشِ وَالْحَيَوَاتِ الْأَرْبَعَةِ وَفِي وَسْطِ الشُّيُخِ حُرُوفٌ قَائِمٌ كَأَنَّهُ مَذْبُوحٌ، لَهُ سَبْعَةُ قُرُونٍ وَسَبْعُ أَعْيُنٍ، هِيَ سَبْعَةُ أَرْوَاحِ اللَّهِ الْمُرْسَلَةِ إِلَى كُلِّ الْأَرْضِ. فَأَتَى وَأَخَذَ السَّفَرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيِ الْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ. <sup>7</sup> وَلَمَّا أَخَذَ السَّفَرُ حَرَّتِ الْأَرْبَعَةُ الْحَيَوَاتِ وَالْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ شَبَّاعًا أَمَامَ الْحُرُوفِ وَلَهُمْ كُلٌّ وَاجِدٌ قِيَارَاتٍ وَجَامَاتٍ مِنْ ذَهَبٍ مَمْلُوءَةٌ بِخُورًا، هِيَ صَلَوَاتُ الْقَدِّيسِينَ، <sup>8</sup> وَهُمْ يَتَرْتَمُونَ تَرْثِيمَةً جَدِيدَةً قَائِلِينَ: مُسْتَحِقٌّ أَنْتَ أَنْ تَأْخُذَ السَّفَرُ وَتَفْتَحَ خُتْمَهُ لِأَنَّكَ ذَبَحْتَ وَاسْتَرَيْتَنَا لِلَّهِ بِذِمَّتِكَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ وَلِسَانٍ وَشَعْبٍ وَأُمَّةٍ <sup>9</sup> وَجَعَلْتَنَا لِلْإِلَهَاتِ مُلُوكًا وَكَهَنَةً فَسَنَمْلِكُ عَلَى الْأَرْضِ. <sup>10</sup> وَتَطَرْتُ وَسَمِعْتُ صَوْتَ مَلَائِكَةٍ كَثِيرِينَ حَوْلَ الْعَرْشِ وَالْحَيَوَاتِ وَالشُّيُخِ، وَكَانَ عَدَدُهُمْ رَبَوَاتٍ رَبَوَاتٍ وَالْأُوفُ الْأُوفُ، قَائِلِينَ بِصَوْتٍ عَظِيمٍ: مُسْتَحِقٌّ هُوَ الْخُرُوفُ الْمَذْبُوحُ أَنْ يَأْخُذَ الْقُدْرَةَ وَالْعِثَى وَالْحِكْمَةَ وَالْقُوَّةَ وَالْكَرَامَةَ وَالْمَجْدَ وَالْبَرَكَةَ. <sup>11</sup> وَكُلُّ خَلِيقَةٍ مِمَّا فِي السَّمَاءِ وَعَلَى الْأَرْضِ وَتَحْتَ الْأَرْضِ وَمَا عَلَى الْبَحْرِ، كُلُّ مَا فِيهَا، سَمِعْتُهَا قَائِلَةً: لِلْجَالِسِ عَلَى الْعَرْشِ وَلِلْحُرُوفِ الْبَرَكَةُ وَالْكَرَامَةُ وَالْمَجْدُ وَالسُّلْطَانُ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ. <sup>12</sup> وَكَانَتِ الْحَيَوَاتِ الْأَرْبَعَةُ تَقُولُ: آمِينَ، وَالشُّيُخُ الْأَرْبَعَةُ وَالْعِشْرُونَ حَرُّوا وَسَجَدُوا لِلْحَيِّ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِينَ.

<sup>6</sup> و دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط پیران، برّه‌ای چون ذبح‌شده ایستاده است، و هفت شاخ و هفت چشم دارد، که هفت روح خداوند که به تمامی جهان فرستاده می‌شوند. <sup>7</sup> پس آمد و کتاب را از دست راست تختنشین گرفته است. <sup>8</sup> و چون کتاب را گرفت، آن چهار حیوان و بیست و چهار پیر به حضور برّه افتادند و هر یکی از ایشان بریطی و کاسه‌های زرین پر از بخور دارند که دعاهاى مقدّسین است. <sup>9</sup> و سرودی جدید می‌سرایند و می‌گویند: مستحقّ گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی <sup>10</sup> و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد. <sup>11</sup> و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کرورها کرور و هزاران هزار بود. <sup>12</sup> که به آواز بلند می‌گویند: مستحقّ است برّه ذبح‌شده که قوّت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت را بیابد. <sup>13</sup> و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیرزمین و در ریاست و آنچه در آنها می‌باشد، شنیدم که می‌گویند: تختنشین و برّه را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالآباد. <sup>14</sup> و چهار حیوان گفتند: آمین. و آن پیران به روی درافتادند و سجده نمودند.